



بخش اول

# درک مطلب





آزمون درک مطلب،

مهارت‌های خواندن تقادانه و توانایی شمارا

در این موارد ارزیابی می‌کند:

۱- خلاصه کردن ایده اصلی متن

۲- تمایز قائل شدن بین ایده‌های علنی ذکرشده در متن و ایده‌هایی که نویسنده به‌طور ضمنی به آن‌ها اشاره کرده است

۳- استنتاج کردن بر اساس اطلاعات متن

۴- تحلیل ساختار منطقی متن

۵- دریافتن لحن و نگرش نویسنده درباره موضوع متن

در این آزمون، شما باید متنی (درباره تجارت، علوم اجتماعی، علوم بیولوژیکی یا علوم فیزیکی) را بخوانید و سپس به ۵ سؤال درباره آن پاسخ دهید. از شما انتظار نمی‌رود که با موضوعی آشنایی قبلی داشته باشید. تمام اطلاعات در متن گنجانده شده است. درواقع اگر درباره موضوعی دانش قبلی دارید نباید اجازه دهید که آن دانش در نحوه پاسخگویی شما تأثیر بگذارد.

طبیعتاً برخی از متون نسبت به بقیه آسان‌تر هستند گرچه هرکدام چالش‌برانگیزند. لحن و محتوای متن مانند یک مجله تحقیقی است.

چهار اصل اساسی در درک مطلب

برای موفقیت در آزمون درک مطلب، اصول زیر را به کار بگیرید:

۱. موضوع و چارچوب متن، هدف نویسنده و ساختار متن و نظر نویسنده را بیابید.

۲. نکته هر پاراگراف را دریابید.

۳. به دنبال ایده اصلی باشید.

۴. بیش از حد درگیر جزئیات نشوید.

۱. موضوع و چارچوب متن، هدف نویسنده و ساختار متن و نظر  
نویسنده را بیابید

به دلیل محدودیت زمانی آزمون نمی‌توان برای فهمیدن هر آنچه در متن آمده است، وقت صرف کرد. به‌طور کلی با خواندن متن باید سه عنصر کلی را تشخیص دهید:

موضوع و چارچوب متن

هدف نویسنده و ساختار متن

نظر نویسنده

لازم نیست هر آنچه را می‌خوانید بفهمید و به خاطر بسپارید؛ می‌توانید برای روشن شدن معنای جزییات، مجدداً به متن رجوع کنید.



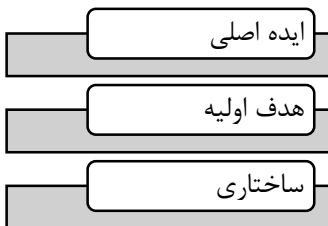
سؤالات «کلی»

در سؤال کلی درباره مقاصد و ایده‌های کلی نویسنده سؤال می‌شود. چارچوب این سؤال تمام متن را فرامی‌گیرد. بنابراین هر گزینه‌ای که فقط روی جزئیات و یا محتوای یک پاراگراف متمرکز شود، غلط است. بررسی افعالی که در گزینه‌ها به کار رفته‌اند نیز برای تشخیص سؤال کلی مفید است؛ افعال باید موافق لحن نویسنده و ساختار متن باشند. گزینه‌های غلط چارچوبی بسیار گسترده یا محدود دارند و یا با لحن نویسنده سازگاری ندارند.

اغلب، یکی از گزینه‌های غلط درباره موضوعی فرعی است که در پایان متن به آن اشاره شده است.

نکته: تشخیص چارچوب بسیار مهم است زیرا بیشتر گزینه‌های غلط خارج از چارچوب (گسترده‌تر یا محدودتر) هستند.

سؤالات کلی به سه دسته اصلی تقسیم می شوند:



مفاهیم ایده اصلی و هدف درهم تنیده شده اند زیرا معمولاً هدف نویسنده، انتقال ایده اصلی اوست.

شکل این سؤالات کاملاً نوع آن ها را مشخص می کند:

- کدام یک از موارد زیر به بهترین شکل ایده اصلی را توصیف می کند؟

- هدف اولیه نویسنده از نگارش متن این است که ...

سؤالات ساختاری نوع دیگری از سؤال و درباره ساختار کلی متن است:

- کدام یک از موارد زیر به بهترین شکل سازمان دهی کلی متن را نشان می دهد؟

متن می تواند به سه طریق سازمان دهی شود:

۱- بیان فرضیه و سپس تحلیل آن

۲- ارزیابی پیشنهاد و بررسی آن

۳- ارائه دیدگاه و سپس دفاع از آن

ترتیب کلمات در گزینه های چنین سؤالاتی معمولاً بسیار کلی است و شمارا وادار می کند تا کل متن را در نظر بگیرید. هنگام بررسی گزینه ها از خود بپرسید: «آیا فرضیه ای وجود داشت؟ آیا پیشنهادی ارزیابی و یا از دیدگاهی دفاع شده بود؟» این لغات ممکن است مشابه به نظر آیند ولی کاملاً با یکدیگر فرق دارند. تفاوت میان پیشنهاد، دیدگاه و... را بیاموزید.

سؤالات «استنتاجی»

این سؤالات بر پایه استنتاج از متن استوار هستند. استنتاج آن است که بر اساس متن در صحت آن شکی نیست ولی به طور ضمنی مطرح شده است. پاسخ، گزینه‌ای است که نویسنده قویاً آن را القا و یا بدان اشاره می‌کند ولی مشخصاً ذکر نمی‌شود. سؤالات استنتاجی درباره نکات بزرگ و کوچک است.

استخراج استنتاج‌های درست از متون درک مطلب به توانایی شما در بازشناختن اطلاعات متن نیاز دارد.

اطلاعات در متن به گونه‌ای و در گزینه‌ها به گونه‌ای دیگر مطرح شده است. توانایی ایجاد ارتباط میان این دو نحوه بیان اطلاعات برای تشخیص گزینه درست اهمیت بسیاری دارد. در حقیقت، سؤالات استنتاجی مانند ترجمه کردن هستند.

متداول‌ترین نوع سؤالات استنتاجی عبارت‌اند از:

- از متن می‌توان این گونه استنتاج کرد که ...
- متن/ نویسنده پیشنهاد می‌کند که ...
- متن/ نویسنده به طور ضمنی اشاره می‌کند که ...
- متن کدام یک از موارد زیر را درباره ... تأیید می‌کند؟

بخشی از سؤالات استنتاجی را، سؤالات «توافقی» می‌نامیم؛ سؤالات توافقی از شما می‌خواهند عبارتی را بیابید که نویسنده (یا شخصیتی در متن) با آن موافق است:

- نویسنده به احتمال زیاد با کدام یک از موارد زیر موافق است؟

باید با دیدگاه نویسنده به خوبی آشنا باشید تا بتوانید استنتاج کنید که نویسنده در شرایطی دیگر با پیش‌فرض‌های جدید چگونه فکر خواهد کرد. گزینه‌ای را انتخاب کنید که با چارچوب و لحن متن همخوانی دارد.

از هر آنچه با ایده نویسنده مخالف است اجتناب کنید، آن گزینه‌ها به احتمال قوی غلط هستند.





## سؤالات «منطقى»

سؤالات منطقی درباره دلایل رفتار نویسنده سؤال می کنند: چرا از منبعی نقل می کند؟ چرا از جزییات خاصی استفاده می کند؟ چرا این پاراگراف را قبل از آن پاراگراف می آورد؟ بنابراین، هر گزینه ای که درباره محتوای عینی متن و یا جزییات باشد غلط است.

سؤالات منطقی به شکل های زیر مطرح می شوند:

- نویسنده به... ارجاع می دهد/ اشاره می کند تا به احتمال قوی/ عمدتاً...

- کدام یک از موارد زیر به بهترین شکل ارتباط پاراگراف... را با پاراگراف های دیگر نشان می دهد؟

در سؤالات منطقی به شماره خطوط ارجاعی دقت کنید. این شماره ها شمارا به محل درستی راهنمایی می کنند ولی معمولاً پاسخ درست در خطوط قبل و بعد آن ها پیدا می شود.

سؤالات «جزیات فاص»

سؤالات جزییات خاص، سؤالاتی هستند که پاسخ آنها را می توان دقیقاً در متن پیدا کرد. این نوع سؤال را می توان به سادگی تشخیص داد:

- بر اساس متن/ بیان نویسنده ...
- نویسنده بیان می کند که ...
- نویسنده کدام یک از موارد زیر را به عنوان ... بیان می کند؟

اغلب، این نوع سؤالات حاوی راهنمایی های دقیقی برای یافتن پاسخ در متن هستند، مانند شماره خطوط ارجاعی و یا عبارتی که دقیقاً در متن آمده است.

از شما خواسته شد که در آزمون درک مطلب، درگیر جزییات نشده، به جای آن روی موضوع، چارچوب و هدف متمرکز شوید. حال اگر سؤالی مطرح شود که دقیقاً به جزییات متن مربوط باشد:

شما آن را هنگام خواندن به خاطر سپرده‌اید، یا شماره خط ارجاعی داده‌شده تا آن را بیابید و یا باید خودتان آن را پیدا کنید تا به جواب برسید.

اگر نقشه ذهنی شما از هدف هر پاراگراف روشن باشد پیدا کردن جزییات مرتبط و انتخاب پاسخ درست، کار سختی نیست. پس در برابر این نوع سؤال، راهبرد موفقیت‌آمیز توجه به هدف جزییات در استدلال هر پاراگراف است؛ خود جزییات را به خاطر نسپارید.

بسیاری از دانشجویان این نوع سؤالات را آسان‌ترین سؤالات آزمون درک مطلب می‌دانند زیرا از همه عینی‌تر هستند؛ برخلاف سؤالات استنتاجی که درباره مفهومی ضمنی هستند سؤالات جزییات خاص درباره جزییاتی است که در خود متن آمده‌اند.



سؤالات «پیوستگی متن»

پیوستگی یعنی ارتباط منطقی بین اجزای جملات یک متن. متن پیوسته یعنی متنی که در آن ایده‌ها در جملات با یکدیگر ارتباط منطقی دارند. ارتباط منطقی بین پاراگراف‌های متن نیز وجود دارد. متن پیوسته معنادار است و فهم آن آسان است زیرا اجزا به‌طور منطقی به یکدیگر چفت شده و به ترتیب قرار گرفته‌اند.

سؤالات مربوط به پیوستگی متن برای سنجش توانایی شما در اضافه کردن جمله‌ای به متن است. این نوع سؤال به شکل زیر مطرح می‌شود:

جمله زیر می‌تواند به کجای متن اضافه شود؟ مکان‌هایی مختلفی از متن با شماره‌هایی به‌صورت [۱]، [۲]، [۳]، [۴]، برای قرار دادن جمله موردنظر مشخص شده است. با قرار دادن جمله در آن مکان‌ها و خواندن دوباره آن می‌توانید بهترین مکان را برای جمله داده‌شده پیدا کنید. دانش شما درباره سازمان‌دهی متن، هدف آن و کلمات ربط و ارجاعی می‌تواند به شما دریافتن بهترین مکان کمک کند.



بعضی از کلمات که حروف ربط خوانده می‌شوند نشانه‌های پیوستگی هستند زیرا ایده‌ها را به یکدیگر می‌پیوندند و ترتیب جملات کنترل می‌کنند. بعضی از حروف ربط متداول عبارت‌اند از:

اضافه کردن	تقابل	مثال آوردن	دلیل (شاهد)	نتیجه
همچنین	گرچه	برای مثال	زیرا	بنابراین
یکی دیگر	هرچند	برای نمونه	به خاطر اینکه	در نتیجه
دیگری	برخلاف	شامل	چون	لذا
اولاً، ثانیاً،...	در صورتی که	مانند	از آنجاکه	پس (بنابراین)

در این بین، برخی از سؤالات انحرافی (نادرست) هستند. این نوع سؤالات، به این دلیل انحرافی (نادرست) هستند که با افزودن جمله در آنجا:

- یا روند منطقی ایده در جملات متوالی مختل می‌شود.
- یا استفاده از آن حرف ربط به خصوص در آنجا غلط است.
- یا ارتباط منطقی بین مرجع و ضمیر از بین می‌رود.
- یا دو جمله که باید متوالی باشند را از هم جدا می‌کند.

سؤالات «عملکرد عبارات»

هرگاه در داخل متن داده شده، زیرِ دو جمله داخل متن خطی کشیده شده باشد، در این صورت یکی از سؤالات داده شده در رابطه با ارتباط این دو عبارت خواهد بود.

مثال: (آزمون دکتری علوم انسانی ۹۳ - متن دوم - پاراگراف آخر)

اطلاعات و آمار دقیقی در مورد سلامت جسمی و روحی مراقبت‌کنندگان از بیماران دچار سکته مغزی در کشور ما وجود ندارد. لازم به ذکر است که متأسفانه در حال حاضر در کشور ما، بیماران مبتلا به سکته مغزی، بعد از ترخیص از بیمارستان، تحت حمایت اجتماعی هیچ سازمان و یا انجمنی قرار نمی‌گیرند. این در حالی است که بسیاری از این بیماران، نیازمند خدمات مهمی در رابطه با تأمین نیازهای اداری (سونداز و...) و دفعی، نیازهای غذایی، تکلم، پیشگیری از زخم بستر، فیزیوتراپی و غیره می‌باشند و بار سنگین این مسئولیت‌ها بر عهده مراقبت‌کنندگان از این بیماران قرار می‌گیرد. علی‌رغم شیوع بالای سکته مغزی و احتمال بالقوه فرسودگی در مراقبان آن‌ها، تاکنون در کشور ما این موضوع مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته است و هیچ‌گونه آمار و ارقام مستند و رسمی در این خصوص در دست نیست.

کدام‌یک از موارد زیر، بهتر از بقیه موارد، رابطه بین دو جمله‌ای که در

متن، زیر آن‌ها خط کشیده شده است را نشان می‌دهد؟

(۱) مشکل - راه حل                      (۲) معلول - علت

(۳) نتیجه‌گیری اولیه - نقض آن                      (۴) فرضیه - تأیید

همان‌طور که ملاحظه می‌کنید در متن فوق، بخش اولی که زیر آن خط کشیده شده معلول و بخش دوم علت آن است، چراکه نویسنده ادعا می‌کند از آنجا که موضوع فرسودگی در مراقبان از گذشته تاکنون مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته است اطلاعات و آمار دقیقی در مورد سلامت جسمی و روحی مراقبت‌کنندگان وجود ندارد.

مثال:

شدند: برخورد مستقیم با سوژه،

خواه ذهنی یا عینی؛ اجتناب

از هر واژه‌ای که به بسط موضوع

اصلی منجر (۱۵) نشود؛ و

سرودن بر طبق توالی یک عبارت

موسیقی و نه بر طبق توالی

مترونوم. باوجود مدت کوتاهی که

تصویرگرایی

به‌عنوان جنبشی ادبی فعال

بودن، تأکید آن بر ایجاز در

سخن، تصاویر ملموس و

همچنین (۲۰) استقبال از شعر

آزاد، تأثیری پایدار از خود بر

جای گذاشت و این خصیصه‌ها به

شاخص‌های شعر مدرن تبدیل

شدند. به گفته‌ای تصویرگرایی

چون نقطه عطفی بود که

پس از آن گرچه هر یک از شاعران

مدرن که به‌نوعی (۲۵) با آن در

تماس بودند در مسیری متفاوت

سطر نظریه شعری ویلیامز از دو

جنبش تصویرگرایی و

عینیت‌گرایی تأثیر بسیار گرفته

است. تصویرگرایی یکی از

گرایش‌های شعری

است که بین سال‌های ۱۹۱۷ تا

۱۹۲۲ رونق (۵) گرفت. این

گرایش، به‌وسیله گروهی از

نویسندگان انگلیسی و آمریکایی

و تا حدی تحت تأثیر نظریه‌های

ادبی تی.ای. هولمز و در مخالفت

با آنچه آزا پاوند از آن به‌عنوان

شعر مبهم، گنگ، تصنعی و

احساساتی اوایل قرن (۱۰)

بیستم یاد می‌کرد، شکل گرفت.

ایده‌های اصلی تصویرگرایی که

پاوند بر آن‌ها اصرار

داشت، در سه اصل خلاصه

به راه خود ادامه دادند، اما اصول اولیه تصویرگرایی در شکل‌گیری نظریه شعری هر یک از آن‌ها تأثیر به‌سزایی داشت. بیشتر اشعار تصویری ساد و کوتاه هستند و بر جنبه‌های تصویری (۳۰) تأکید بسیار دارند. این نوع شعر معمولاً به‌صورت آزاد نوشته می‌شود و جدای از هرگونه اظهارنظر و یا کلی‌گویی، درنهایت دقت و ایجاز با استفاده از استعاره و یا قرار دادن یک تصویر در کنار تصویر دیگری در قیاسی مجازی، بدون (۳۵) نمایان ساختن ارتباط آن‌ها، احساس شاعر را در مورد یک صحنه یا سوژه تصویری ارائه می‌دهد. تصویرگرایی بر تصویر یا «ایماژ» تأکید بسیار دارد که عبارت است از ارائه دقیق

عنصری خارجی یا ادراکی حسی که معنا را در (۴۰) بافتی یکپارچه تشدید و متمرکز می‌کند. پائند درباره ایماژ می‌نویسد: «آن عنصری است که یک گره ذهنی و احساسی را در یک لحظه معین به نمایش می‌گذارد». شعر «در یک ایستگاه مترو»، نمونه بسیار خوبی از یک شعر (۴۵) تصویری است که تمامی اصولی را که پائند بر آن‌ها تکیه داشت (تمرکز، تصویرپردازی و بیان ساده و روان) را مثال می‌زند. پائند در توضیحی در مورد سرودن این شعر می‌گوید: «از زمانی که نگارش بد شروع شد، (۵۰) نویسندگان از تصاویر به‌عنوان نوعی آرایه استفاده کرده‌اند، درحالی‌که تصویر، خود سخن



است. تصویر جهان ورای قوانین از پیش تعیین شده زبان است». شعر «در یک ایستگاه مترو»؛ مانند یک قطعه غنائی رمانتیک (۵۵) در پی ثبت لحظه‌ای از اوج آگاهی زیبایی‌شناختی است با این تفاوت که این کار درنهایت ایجاز به انجام می‌رساند. نه شاعری وجود دارد و نه اثری از ضمیر اول شخص به چشم می‌خورد و نه حتی فعلی؛ تنها از یک مکان در عنوان شعر (۶۰) نام برده شده و اشاره‌ای خیلی مختصر به تصویر چهره‌ها و تصویری دیگر در کنار آن قرار گرفته که تشبیه یا قیاسی از تصویر نخست است.

۱- کدام مورد، به بهترین وجه، ساختار اطلاعات مندرج در پاراگراف‌های ۱ و ۲ را مشخص می‌سازد؟

۱) ظهور راهبردی خاص مطرح، تبیین و سپس بستر تاریخی ایجاد و تکوین آن توضیح داده می‌شود.

۲) ادعایی کلی مطرح و سپس دلایل درستی آن ادعا در یک بستر تاریخی، با مثال تقویت می‌شود.

۳) ویژگی‌های کلی یک نظریه مورد اشاره قرار می‌گیرد و سپس با ذکر مثال، آن ویژگی‌ها مشخص می‌شوند.

۴) شکل‌گیری پدیده‌ای توصیف و تأثیرات آن مورد بحث قرار می‌گیرد.

در ابتدای پاراگراف اول توضیحاتی درباره ظهور تصویرگرایی ارائه می‌شود: «تصویرگرایی یکی از گرایش‌های شعری است که بین سال‌های ۱۹۱۷ تا ۱۹۲۲ رونق گرفت». در ادامه پاراگراف، ایده‌های اصلی تصویرگرایی بیان می‌شوند. پاراگراف دوم مطالبی درباره تأثیرگذاری این جنبش ارائه کرده است: «تأکید تصویرگرایی بر ایجاز در سخن، تصاویر ملموس و همچنین استقبال از شعر آزاد، تأثیری پایدار از خود بر جای گذاشت... اصول اولیه تصویرگرایی در شکل‌گیری نظریه شعری هر یک از آنها [شاعران مدرن] تأثیر بسزایی داشت»؛ بنابراین، در پاراگراف اول، شکل‌گیری پدیده تصویرگرایی در شعر توصیف و در پاراگراف دوم تأثیرات آن مورد بحث قرار می‌گیرد.

گزینه ۱) درست است که در پاراگراف اول، ظهور جنبش تصویرگرایی مطرح و با معرفی مبدعان و ایده‌های اصلی آن به‌نوعی تبیین شده است، اما در ادامه و در پاراگراف دوم، به تأثیرگذاری این جریان بر شاعران و شعر مدرن اشاره شده است که در این گزینه عنوان نشده است.

گزینه ۲) مطرح‌شدن بحث شکل‌گیری جنبش تصویرگرایی صرفاً بیان یک پدیده ادبی در یک بستر تاریخی است. پاراگراف دوم با ذکر چگونگی تأثیرگذاری این پدیده بر ادبیات این بحث را ادامه می‌دهد و نشانه‌ای از مطرح‌شدن یک ادعا و تقویت یا تضعیف آن در این دو پاراگراف وجود ندارد. افزون بر آن، مثال خاصی در این پاراگراف ذکر نشده است.

گزینه ۳) در پاراگراف اول، ظهور یک جنبش ادبی و ویژگی‌های کلی آن مورد اشاره قرار می‌گیرد؛ اما مثالی در پاراگراف دوم ذکر نمی‌شود.

۲- کدام مورد، به بهترین وجه، نظر آزرا پاوند راجع به جنبش تصویرگرایی را مشخص می‌کند؟

(۱) مخالفت قطعی

(۲) طرفدار و حامی

(۳) مردد ولی علاقه‌مند

(۴) شگفت‌زده و احساسی